

یادگردی از قهرمانان حاضر در عملیات مطلع الفجر در گفت‌وگوی «جوان» با رزمندگان حاضر در این عملیات

رزمندگان گمنام که در نجات جان هم‌زمان‌شان فدا شدند

علیرضا محمدی ۴۱ سال پیش در چنین روزی، عملیات مطلع الفجر در حال انجام بود. از ۲۰ آذرماه ۱۳۶۰ مرحله اول عملیات آغاز شد و از روز ۲۸ آذر نیز مرحله دوم آن به مدت یک روز انجام گرفت. در این عملیات چهره‌ها با گروه‌های مختلفی نقش داشتند که بسیاری از آنها بعدها از مفاخر دفاع مقدس و تاریخ معاصر کشورمان شدند. در گفت‌وگویی که با سردار رضا میرزایی داشتیم، به معرفی و باز روایت چند تن از این چهره‌ها و گروه‌های فعال در عملیات مطلع الفجر می‌پردازیم.

روزمندگان عشایر ایل کلهر اولین گروهی که دوست دارم در جریان عملیات مطلع الفجر و مسائل پیرامون آن به آنها اشاره کنم، عشایر منطقه گیلانغرب و خصوصا ایل کلهر است. اسم ایل کلهر در دیباچه دفاع مقدس نخستین بار در جریان مقاومت مردمی شهر گیلانغرب مطرح می‌شود. وقتی دشمن ۳۱ شهریورماه با لشکر ۴ پیاده و تیپ ۲۴ مکانیزه حرکت خودش را آغاز کرد و به صورت میانبر از پاسگاه مرزی خان لیلی به گیلانغرب نزدیک شد. در حوالی شهر، مردم، عشایر و به خصوص عشایر ایل کلهر مقاومت جانانه‌ای مقابل آنها انجام دادند.

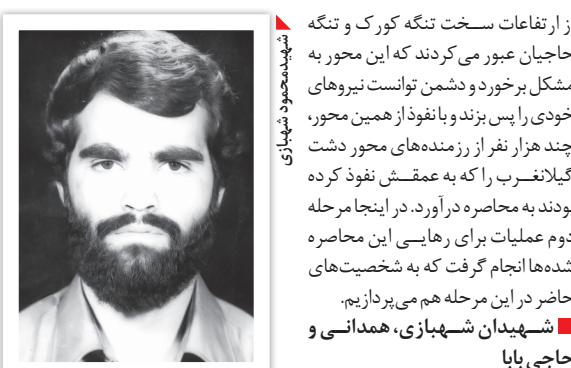
دشمن برای تصرف شهر یاقشاری می‌کرد، اما مردم و رزمندگان هم مقابلش کوتاه نمی‌آمدند و حتی جلوی دشمن آب انداختند تا تاکن‌های‌شان در گل ولای و باتلاق گیر کنند. نهایتاً عراق مجبور شد از تصرف گیلانغرب منصرف شود و در ارتفاعات اطراف مثل شیاکوه و تنگه کورک مستقر شد. ایل کلهر در این حماسه مقاومت مردمی بسیار نقش فعالی ایفا کرد و بعد از عقب‌نشینی دشمن از تصرف شهر، چون گیلانغرب زیر گلوله باران توپخانه دشمن قرار داشت، مردم شهر و عشایر منطقه و ایل کلهر آمدند در حومه گیلانغرب یک سری سنگ‌های هلالی شکل که خودشان به آن نعلی می‌گفتند، ایجاد کردند و همچنان به مقاومت در برابر دشمن ادامه دادند.

یک نکته در خصوص خلیقات و فرهنگ مردم منطقه گیلانغرب حائز اهمیت است و اینجا باید به آن اشاره شود؛ آنها به دلیل روحیه سلحشوری که دارند، هیچ‌گاه منطقه را ترک نکردند و در اوج بمباران دشمن حتی حاضر نشدند خانواده‌شان را به شهرهای دیگر بفرستند. در همان منطقه ماندند و خانواده‌شان را به کوه‌های اطراف فرستادند و اینجا چادر زدند. زیر بمباران ماندند اما حاضر نشدند شهر و دیارشان را ترک کنند و درد آوارگی را به جان بخرند.

شهیدان هادی، ریزه‌وندی و خوشروان بعد از اینکه خط گیلانغرب تثبیت شد، این منطقه را به سه محور راست، میانی و چپ تقسیم کردند. فرمانده محور راست داریوش ریزه‌وندی بود. محور میانی را هم



استادگی کردند. او در خنثی کردن مین به تبحر خاصی داشت. نهایتاً ۳۱ خرداد سال ۶۱ در برخورد با مین تله‌ای به شهادت رسید. **بروجردی، صیاد و رحیم صفوی** قبل از آنکه به معرفی دیگر چهره‌های حاضر در منطقه گیلانغرب و همین‌طور عملیات مطلع الفجر بپردازم، اینجا باید یادآور شوم که هدف عملیات دور کردن شهر گیلانغرب و منطقه پیرامون آن از دید و تیر مستقیم دشمن بود. قیلا عرض شد که عراقی‌ها در ارتفاعات اطراف شهر



دانشجویان پیرو خط امام به مجاری تسخیر لانه جاسوسی ورود کرد. ایشان با شهید بروجردی که اوایل فرمانده عملیات سپاه تهران بود کار می‌کرد. بروجردی که فرمانده سپاه در غرب کشور شد، شهپازی را به فرماندهی سپاه همدان انتخاب کرد. در مقطع عملیات مطلع الفجر، شهپازی با همین سمت فرماندهی سپاه استان همدان، حدود ۱۴۰ نفر از نیروهای خودش را رهسپار عملیات کرد و این ۱۴۰ نفر توانستند با تصرف سانه‌ها از ارتفاعات تنگه کورک، حماسه بزرگی را خلق کنند و دشمن را وادار کنند تا از محاصره ۵ هزار نیروی خودی که در عمق خطوطش گرفتار شده بودند، دست بردارد و این نیروها نجات یابند.



گیلانغرب و مردم مقاوم آن در دفاع مقدس شهید دادند اما دیارشان را ترک نکردند

غلامحسین بهبودی گیلانغرب یکی از شهرهای مرزی استان کرمانشاه است که به رغم نزدیکی به مرزهای عراق، به جهت مقاومت مردمش به تصرف نیروهای دشمن در نیامد. اگر شما هم به این شهر سفر کنید، یا مردمی رو به رو می‌شوید که هنوز فرهنگ عشایری خود را حفظ کرده‌اند. همین فرهنگ عشایری باعث می‌شود تا آنها در تاریخ‌شان در برابر یورش بیگانگان، چهره‌ای مقاوم و خستگی‌ناپذیر از خود نشان بدهند.

پایتخت ایل کلهر گیلانغرب در جنوب شرق استان کرمانشاه به پایتخت ایل کلهر مشهور است. کلهر از ایل‌های قدیمی و نامدار ایرانی است که همواره دوشادوش دیگر مردم این سرزمین، از کلبان و آب و خاک این مرز و بوم دفاع کرده‌اند. اغلب مردم گیلانغرب به رغم بکجانشینی، پیشینه‌ای عشایری دارند. آنها هنوز برخی از رسوم خود را حفظ کرده‌اند. به عنوان نمونه هنگام عصر یا غروب خورشید، در خانه‌ها را باز می‌کنند و به یاد زندگی در دشت و دمن، به محیط بیاز پیرامون نگاه می‌کنند. یاد دیگر رسوم عشایری را در دیگر مناسبت‌ها همچنان رعایت می‌کنند.

گیلانغرب در دفاع مقدس بعد از هجوم دشمن به کشورمان، عراق که از ۱۶ شهریورماه ۱۳۵۹ منطقه خانیللی را به اشغال در آورده بود، از همان جا اقدام به پیشروی به سوی شهر گیلانغرب کرد. در واقع اگر بعضی‌ها می‌خواستند از مرز خسروی به سمت گیلانغرب بروند، بیش از ۵۰ کیلومتر راه داشتند، اما با اشغال خانیللی پیش از شروع جنگ، آنها توانستند طول این مسیر را به نصف برسانند. لذا وقتی در ۳۱ شهریورماه جنگ رسماً آغاز شد، واحدهای مکانیزه و پیاده دشمن از همین مسیر میانبر به سمت گیلانغرب پیش راندند. آنها تا حومه شهر آمدند، اما آنجا با رزمندگان و مردم بومی منطقه که اغلب از ایل کلهر و عشایر بودند رو به رو شدند. این مردم سلحشور چنان مقاومتی در برابر دشمن انجام دادند که بعضی‌ها ناچار شدند از تصرف شهر دست بردارند و به ارتفاعات اطراف بروند.

عشایر کمک حال فرماندهان یکی از محسنات ورود نیروهای عشایری به جگر رزمندگان دفاع مقدس، آشنایی آنها با مناطق عملیاتی غرب کشور بود. وقتی فرماندهانی از ارتش و سپاه می‌خواستند عملیات مطلع الفجر یا دیگر عملیات دفاع مقدس در این منطقه را طرح بزنند، از نیروهای شناسایی عشایری استفاده می‌کردند. این نیروها به جهت آشنایی‌شان با منطقه، به راحتی می‌توانستند به عقبه دشمن نفوذ کنند و اطلاعاتی از میزان و تعداد آنها و همین‌طور مواعی که در منطقه ایجاد کرده بودند کسب کنند و این اطلاعات را به فرماندهان ارائه بدهند.

فرهنگ ایستادگی یک نقطه حائز اهمیت در بحث حضور عشایر در دفاع مقدس این است که آنها حتی در سخت‌ترین شرایط نیز حاضر به ترک دیارشان نمی‌شدند. در نواحی جنوبی کشورمان و شهرهایی که در دید و تیر مستقیم دشمن بودند یا امکان اشغال‌شان می‌رفت، مردم این مناطق خانه‌های خود را ترک کردند و به شهرهای بزرگی چون تهران یا اصفهان مهاجرت کردند. اما این موضوع در خصوص عشایر صدق نمی‌کرد. در ماجرای هجوم دشمن به گیلانغرب و همین‌طور ماه‌ها قرار داشتن این شهر در دید و تیر مستقیم دشمن، مردم شهر که عمده‌شان فرهنگ عشایری داشتند، نهایتاً به حومه شهر عقب نشستند و آنجا سنگ‌هایی ساختند. همین‌طور زنان و کودکان‌شان را در چادرهایی که روی کوه‌ها دایر شده بود، اسکان دادند. اما هرگز دیار آبا و اجدادی‌شان را ترک نکردند.

جدول سودوکو ۹×۹

جدول کلمات متقاطع

جدول سودوکو ۹×۹

جدول کلمات متقاطع

از راست به چپ ۱- نقاش و پیکر تراش ایتالیایی صاحب تابلوی رستاخیز- آرد مخصوص تهیه ماکارونی ۲- روحانی یهودی- دلیل آوردن برای اثبات امری ۳- تب روده- غلاف کوچک لوله‌ای شکل برای دارو- مسکن ۴- حمام یک‌نفره- نوعی آچار- نیزار خوزستانی- پدر بزرگ ۵- کلاه الف- دشنام- همسر یعقوب- صابون خیاطی ۶- فصله ناپیدا- غذای آبکی- پرستار پسران اعیان قدیم ۷- برگ برنده- از گذشته به آینده در سیر بودن- از شهرهای استان زنجان ۸- الفبای تلگراف- رود مرزی- نوعی خط خوشنویسی- خبر گزای عربستان ۹- سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد- پرورش گاو و گوسفند- همسایه تهران ۱۰- نگهبان چماقدار درهای قدیم- سود نامشروع پول- این شهر کویری در قدیم گلشن نامیده می‌شد ۱۱- خط کش مهندسی- شتر بارکش- همسایه شمالی- یاران اندک ۱۲- خجستگی- چرک و کثافت- شیشه آزمایشگاه- جدا و غیر ۱۳- به لباس می‌زنند تا باراق شود- ضد زمینی- کار چشم ۱۴- چوب پنبه صنعتی- مکانی در زندان ۱۵- آلت تنظیم در انواع ماشین- اپیدمی

از بالا به پایین ۱- خدایبامر- جای نشستن تماشاگران در تماشاخانه ۲- یک حرف و سه حرف- آشفته و پریشان ۳- عنصری در فولاد و چدن- جاسوسخانه آمریکا- بر خوردار شدن ۴- قسمت تیز شمشیر- آرزو برای بیماران- حرکت کرم گونه- جایز و شایسته ۵- ضمیر اشاره- دختر کورش- ماست چکیده- یادداشت ۶- سبزی ضد سرطان- نرم و شکننده- تیم فوتبالی در ایتالیا ۷- کاراته از هنرهای رزمی این کشور است- کهنه‌فروش- مهاجم بایرن و ملی آلمان ۸- چاشنی ساندویچ- مشورت- صندلی راحتی- حرف خطاب ۹- خستگی شدید- خرس چینی- تشریح بادمجان ۱۰- مفاد و معنی- بلند- عقیده انتخاباتی ۱۱- راه- از آفات عبادت- درازترین دماغ- میوه خوب ۱۲- واحد شاور- مو- پدر آذری- خشک مزاج- آلت شالی کوبی ۱۳- پهلوانان- پدر- لوح فشرده ۱۴- قطعی برای سکه- ساز جری ۱۵- از پربرکت ترین آیات قرآن- الایختی

جدول سودوکو ۱۵×۱۵